

با حضور نویسنده و نماینده ناشر، چند کتاب از «فاطمه دانشور جلیل

کتاب‌هایم را رها نم



دانشور جلیل: هم اسم، هم جلد و هم خاطرات مادر باعث دیده شدن کار شد. طراح جلد از همسرش خواسته بود حلوای بیزد و حلو را به آتلیه برده بودند و از حلوای عروسی عکاسی کرده بودند. این اثر به چاپ چهارم رسیده ولی مشکلات کاغذ وجود دارد. انتشارات برای این که مشتری را نگه دارد، در نمایشگاه چاپ دیجیتال زده است.

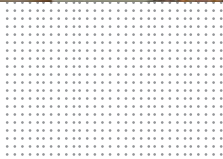
۱۱ هر دو کتاب در یک مراسم رونمایی شدند؟

مردی: نه، رونمایی این کار در سال ۱۳۹۷ بود. ما برنامه‌ای به نام فرزندان خمینی داریم که جلسه بازنمایی و رونمایی کتاب است. حجم زیادی از کتاب‌هایی که آنجا دیده شد، به دلیل ارائه کلیت کارها در مناسبت‌های مختلف طی این برنامه است اما برای کتاب‌ها در نمایشگاه کتاب، برنامه تبیین می‌گیریم و حتی امروز به این سمت رفته‌ایم که کتاب‌ها را به منطقه‌ای ببریم که شهید در آنجا بوده است. در این مسیر به بوشهر، همدان و دیگر مناطق رفته و سعی کرده‌ایم هر اثر در شهرهای مربوطه رونمایی شود. حتی در مورد حلوای عروسی، در سال ۱۳۹۷ سر مزار شهید با حضور خانواده رونمایی برگزار شد.

۱۲ از کار با روایت فتح راضی هستید؟

دانشور جلیل: من می‌خواهم گلایه‌هایم را نیز بگویم. نه تنها روایت فتح، بلکه اکثر ناشرانی که در حوزه روایت دفاع مقدس کار می‌کنند، اگر شهیدی را خودشان معرفی کنند، قرارداد خرید اثر می‌بندند. نویسنده پله پله جلو می‌رود و تجربه کسب می‌کند. هر سالی که می‌گذرد من متوجه می‌شوم که چرا این طور قرارداد بسته‌ام. من قرارداد خرید اثر بستم، ولی مدیریت‌های بعدی باید این را رعایت کرده و یک متمم اضافه کنند که اگر این کتاب از چاپ چهارم یا پنجم به بعد رفت، درصدی در نظر گرفته شود. حق و انصاف چه برای نویسنده و چه برای ناشر باید رعایت شود. ما می‌خواهیم نه ناشر ضرر کند و نه نویسنده. بین این دو کتاب سه بار مدیریت در انتشارات تغییر کرده است.

باید چیزی برای نویسنده در نظر گرفته شود، به خصوص نویسنده‌ای که این شهید را دوست دارد. من این کار را رها نکرده‌ام و در حد توانم هم بسیار هدیه داده‌ام و هم تبلیغ کرده‌ام و هم در تمامی نشست‌ها بودم، در مدرسه بچه‌هایم جشن امضا گرفته‌ام. من هیچ‌وقت کارهایم را رها نمی‌کنم و آنها را دوست دارم. به خصوص چون با شهید ارتباط برقرار می‌کنم و به ایشان



حلوایی به

نام حلوای

عروسی دارند.

چیزی شبیه

به شکلات‌های

قدیمی مینو

بود. کره و آرد

با عسل قاطی

می‌شود و به آن

حلوای عروسی

می‌گویند.

تصمیم گرفتیم

اسم کتاب بشود

«حلوای عروسی»

و این حلو را

درست کردیم

بجای درس‌خوان بود. ویژگی شهدای ما این است که در بزرگه، تصمیماتی درست می‌گرفتند و همین موجب تغییر و تفاوت در مسیر زندگی آنها می‌شده است.

پدر شهید خانه‌ای قدیمی در منطقه تجریش، محله چیدر داشت که این خانه را می‌سازند و به هر کدام از فرزندان یک واحد آپارتمان می‌دهند و از این طریق ارث و میراث‌شان را تقسیم می‌کنند. دو یا سه واحد سهم عبدالحمید بود که محل خیریه شغف شهید عبدالحمید فلاحیان است. به همین دلیل ابتدا اسم کتاب را «شغف» گذاشته بودم.

۱۳ انتخاب نام کتاب «حلوای عروسی» کار نویسنده بود یا شما در انتشارات؟

فرزانه مردی: انتخاب نام حلوای عروسی داستانی داشت. یک روز در انتشارات نشسته بودیم و بین اسم‌هایی که ایشان گفته بودند، انتخاب می‌کردیم. من آن روز گفتم حلوایی به نام حلوای عروسی دارند. چیزی شبیه به شکلات‌های قدیمی مینو بود. کره و آرد با عسل قاطی می‌شود و به آن حلوای عروسی می‌گویند. تصمیم گرفتیم اسم کتاب بشود «حلوای عروسی» و این حلو را درست کردیم.

در کتاب‌هایم امضای خانواده شهید را می‌گیرم!

به آن می‌گویند کار ادبی، اما به روایت نویسی نمی‌گویند کار ادبی. البته به نظر من که در هر دو حوزه کار کرده‌ام، زندگینامه

شهید نوشتن بسیار سخت‌تر

از نوشتن رمان است. باید دل

همه را به دست آورد که از همه

مهم‌تر دل خانواده شهید است

و بعد منتقدان، ناشر، مخاطب

و.... من ابتدا کار را به خانواده

شهید می‌دهم و تا آنها نخوانند

و ابراز رضایت نکنند، کار را به

ناشر تحویل نمی‌دهم. در

تک‌تک کارهایم خودم امضا

خانواده شهید را گرفته‌ام.



دانشور جلیل: به نظر من کار شهدا کلا کاری سفارشی است، چون من یک زن خانه‌دارم و چه دسترسی‌ای به آن

پرونده‌ها دارم؟! من از کجا باید

شهدا را بشناسم؟! این که دوروبر

شما شهیدی باشد، یکی دو مورد

بیشتر نخواهد بود. کار شهدا در

نهایت کار سفارشی است، چون

شهید را باید به ما معرفی کنند.

یکی از استادان ما می‌گفت کسی

که می‌تواند داستان بنویسد،

نباید به سراغ روایت نویسی برود.

چون داستان ادبی است و خلق

دنیایی از تراوشات ذهنی است و

میثم رشیدی مهرآبادی



سردبیر

قفسه کتاب

اشاره: قبل از هر چیز می‌خواهم خواهش کنم برای سلامتی مادر بزرگوار سرکار خانم فاطمه دانشور جلیل، حمد شفا بخوانیم. ایشان مدتی است در کما به سر می‌برند. خانم دانشور جلیل سال‌هاست از ایشان نگهداری می‌کند و در کنار این پرستاری و انجام امور خانه و خانواده، مشغول نوشتن نیز هست. به پاس زحماتش از او خواستیم همراه با نماینده انتشارات روایت فتح، سرکار خانم فرزانه مردی، در نشستی در کافه کتاب زیتون به سؤالات ما درباره کتاب‌هایش پاسخ دهد. آنچه می‌خوانید، حاصل این گفت‌وگوست.

۱۴ تحقیق و پژوهش خصوصاً درباره شهدایی که سال‌های زیادی از شهادت‌شان می‌گذرد، کار سختی است.

فاطمه دانشور جلیل: تحقیق خیلی خوب است، چون با خانواده شهید رابطه عاطفی برقرار می‌کنیم. من این رابطه عاطفی را دوست دارم. شانس‌ی که من در هر دو کار روایت فتح داشتم این بود که در «حلوای عروسی» حافظه مادر شهید بسیار خوب بود. نقدهای زیادی شد که چرا فقط ۵۰ صفحه از مادر شهید نوشته‌اید و از خاطرات کودکی و از ازدواج مادر گفته‌اید؟ در حالی که آن مادر باعث شد کتاب روایت زیبایی داشته باشد، چون خاطرات قشنگی به یاد داشت.

در کتاب «تهنیت، عشق، سلام» مادر شهید، اهل قلم بود و خودش خاطرات پسرش را نوشته بود. این خانواده به ثبت خاطرات شهید و تولید اثر درباره شهید اهمیت می‌دادند.

هر دو خانواده شهیدی که من در دو کتاب با آنها آشنا شدم، دو خانواده متفاوت از دو قشر متفاوت در میان خانواده‌های ایثارگر بودند. یک خانواده از شهری، خادم مسجد و با وضعیت محرومیت اقتصادی که با فقر درگیر بودند و پدر خانواده دستفروش بود. ولی شهید بعدی از خانواده مرفهی بود. پدر شهید از آلمان دستگاه وارد کرده بود و اولین کارخانه کفش آن منطقه را ایجاد کرده و کفش قالبی می‌زد. آنجا مشهور شده بود کفش‌هایی آمده‌اند که آب داخل‌شان نفوذ نمی‌کند. برادر بزرگ شهید در بهترین دانشگاه آمریکا درس خوانده بود. پدر شهید به او می‌گوید که آیا می‌خواهید شما را هم بفروسم ولی او قبول نمی‌کند. راضی نمی‌شود به مدرسه غیرانتفاعی برود و با اتوبوس رفت‌وآمد می‌کرد. چند بار پدر راننده فرستاده بود ولی سوار ماشین بنز پدر نمی‌شد و هیچ علاقه‌ای نداشت که دوستانش از ثروت خانواده آنها باخبر شوند.

۱۵ چه ماجرای جذاب و کم‌نظیری...

عبدالحمید جزو بچه‌های مدرسه مفید است. مزار او در امامزاده چیدر است. عکسی از او با کفش کتانی در عروسی برادر بزرگ‌ترش وجود دارد. دربار او را راه نمی‌دهد تا این که می‌گوید من برادر داماد هستم. دانشجوی ترم دوم مهندسی دانشگاه تهران و